

## اعدام مخالف محمدرضا پهلوی

۱۰ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۰۹

پس از آن که اصلاحات مد نظر رژیم پهلوی در سال ۴۱ آغاز شد شاه برای اجرای اصلاحات ارضی، فئودال های مناطق مختلف کشور را به تهران احضار می‌کرد تا آنان را مطمئن سازد که زیان های آنها به گونه‌ای جبران خواهد شد و با تطمیع یا تهدید از واکنش آنان جلوگیری خواهد کرد. یکی از مناطقی که سابقه مبارزات خونینی با سلسله پهلوی داشت، منطقه کهگیلویه و بویراحمد بود.

اواخر سال ۱۳۴۱ و سه ماه اول سال ۱۳۴۲، ایام آخرین مبارزه عشایر کهگیلویه و بویراحمد با رژیم پهلوی بود که با سرکوب خشن و خونین عشایر به پایان آمد. مهمترین و کوبنده‌ترین و در عین حال خونین‌ترین بخش آن مبارزه را طایفه « جلیل » از ایل بویراحمد صورت داده بود. این طایفه از نظر جایگاه اجتماعی و موقعیت طبقاتی، به عنوان « رعیت » شناخته می‌شدند و بنابر قاعده می‌بایست به وعده‌های رژیم مبنی بر دستیابی به زمین دل می‌بستند، اما مشاهده می‌شود که رئیس آن طایفه، ملا غلامحسین سیاهیپور، هنگامی که پی برد علمای دین با برنامه‌های رژیم مخالفاند، آشکارا اعلام داشت که از همراهی با خوانین در مبارزه با رژیم می‌پرهیزد، اما به دستور علما مبارزه را بر خود واجب می‌داند. بدین گونه بود که او به طور مستقل به مبارزه برخاست و حماسه گجستان را آفرید اما در نهایت با شدیدترین حملات رژیم پهلوی مواجه شده و در نهایت اعدام شد.

۲۰ خرداد ۱۳۴۲: ضرغام پور اعدام شد

امروز روزنامه ها از اعدام عبدالله ضرغام پور یکی از عوامل اتفاقات اخیر خبر دادند. روزنامه اطلاعات نوشت «جانی معروف فارس در زمان اعلیحضرت فقید ۱۲ سال در تهران تحت نظر بود ولی در سال ۱۳۲۰ از تهران فرار کرد و دست به شرات و یاغیگری زد، در سال ۱۳۲۲ با همکاری قشقائی ها در غائله سمیرم شرکت کرد و سرهنگ شقاقی را سر برید»

بر اساس گزارش این روزنامه « ضرغام پور برادرش را کشت و در حوزه بهبهان چندین پادگان نظامی را خلع سلاح کرد »

اطلاعات نوشت « ضرغام پور یکی از موثرترین عوامل وقایع اخیر فارس بود»

روزنامه اطلاعات امروز گزارش داد : ساعت سه و نیم بامداد پریروز عبدالله ضرغام پور سردسته اشرا کهگیلویه و بویر احمدی به

وسیله یکی از مامورین ویژه چریک لشکر ۹ مستقل خوزستان به نام علی فرزند غلام شهرت قائد کتری به قتل رسید و به دستور تیمسار سپهبد آریانا فرمانده نیروی جنوب جنازه وی برای عبرت دیگران در چهار راه پهلوی بهبهان به مدت ۲۴ ساعت به دار آویخته شد.

این گزارش می افزاید «گفتنی است عبدالله ضرغام پور پس از جریان سمیرم یک بار مورد عفو ملوکانه قرار گرفت و یک بار هم که به ۱۵ سال زندان محکوم بود پس از ۴ سال مورد عفو قرار گرفت و آزاد شد.» [رجوع کنید به روزنامه اطلاعات، ۲۰ خرداد ۱۳۴۲، صفحه ۱ و ۱۴] [۱]

پی نوشت:

[۱]. پس از آن که اصلاحات مد نظر حکومت در سال ۴۱ آغاز شد شاه برای اجرای اصلاحات ارضی، فتودال های مناطق مختلف کشور را به تهران احضار میکرد تا آنان را مطمئن سازد که زیان های آنها به گونه ای جبران خواهد شد و با تطمیع یا تهدید از واکنش آنان جلوگیری خواهد کرد. یکی از مناطقی که سابقه مبارزات خونینی با سلسله پهلوی داشت، منطقه کهگیلویه و بویراحمد بود.

در زمستان سال ۱۳۴۱ شاه تعدادی از خوانین آن منطقه را به تهران احضار کرد تا از واکنش آنها در برابر انقلاب سفید جلوگیری کند. بدین منظور عبدالله خان ضرغام پور و ناصرخان طاهری، رهبران ایل بویراحمد علیا و سفلی به تهران فراخوانده شدند. اما آنان در تهران دریافتند که جریان های ملی و مذهبی مهمی با برنامه های رژیم مخالفند و با این آگاهی، دلگرم و امیدوار شدند که به منطقه برگردند و مبارزه را آغاز کنند.

آنان به منطقه بازگشتند اما سیر تحولات اجتماعی، وضعیت جامعه را متفاوت از دهه های پیش ساخته بود، از جمله اینکه مشروعیت سیاسی خوانین در میان ایلات کاهش یافته بود و زمینه مبارزات عشایری سنتی چندان فراهم نبود. به هر حال خوانین با تأکید بر اینکه این مبارزه جنبه ملی داشته و از پشتیبانی علما برخوردار است، توانستند زمینه نسبتاً مناسبی برای مبارزه فراهم کنند.

بدین ترتیب، اواخر سال ۱۳۴۱ و سه ماه اول سال ۱۳۴۲، ایام آخرین مبارزه عشایر کهگیلویه و بویراحمد با رژیم پهلوی بود که با سرکوب خشن و خونین عشایر به پایان آمد. شرح آن مبارزات بیرون از حوصله این نوشته است اما نکته قابل تأمل در رخدادهای آن منطقه در آن ایام این است که مهمترین و کوبنده ترین و در عین حال خونین ترین بخش آن مبارزه را طایفه "جلیل" از ایل بویراحمد صورت داده بود.

این طایفه از نظر جایگاه اجتماعی و موقعیت طبقاتی، به عنوان "رعیت" شناخته می شدند و بنابر قاعده می بایست به وعده های

رژیم مبنی بر دستیابی به زمین دل می بستند، اما مشاهده می شود که رئیس آن طایفه، ملا غلامحسین سیاهپور، هنگامی که پی برد علمای دین با برنامه‌های رژیم مخالفاند، آشکارا اعلام داشت که از همراهی با خوانین در مبارزه با رژیم می‌پرهیزد، اما به دستور علما مبارزه را بر خود واجب می‌داند.

بدین گونه بود که او به طور مستقل به مبارزه برخاست و حماسه گجستان را آفرید. نبرد گجستان در روز آخر فروردین و اول اردیبهشت ۱۳۴۲ میان مبارزان عشایر و نظامیان رژیم به وقوع پیوست. در این نبرد قوای دولتی با برجای گذاشتن ده‌ها کشته و زخمی متحمل شکست سنگینی گردیدند.

سپهد بهرام آریانا فرمانده عملیات جنوب اعتراف کرد که واقعه گجستان «نه تنها تطبیق عملیات را مختل و غیرممکن کرد بلکه باعث بحران بزرگی در عملیات نیرو گردید.» قوای دولتی پس از شکست در این نبرد چون نتوانستند مبارزان عشایر را دستگیر کنند، با بی‌رحمی و شقاوت، خانواده‌های آنان را به مدت چند ماه مورد شدیدترین حملات و شکنجه‌ها و خشونت‌ها قرار دادند. فرماندهان نظامی ناصادقانه و با ادای سوگند و تأمین کتبی، سیاهپور را حاضر به معرفی کردند و سرانجام در ۲۰ دی ۱۳۴۳ او را همراه با چند نفر دیگر از هم‌زمانش اعدام کردند. رجوع کنید به جنگ گجستان، تقوی، مصطفی، خبرگزاری فارس، ۱۸ آذر ۱۳۸۵.

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۲۴۸۶/مخالف-اعدام>